

مطالعه تأثیر شهرت حسابرسان بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی

سارا ارسر

گروه حسابداری، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران.
daraarsar2025@gmail.com

چکیده

عدم شفافیت اطلاعات مالی به عنوان ممانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات تعریف شده است. پس از رسوایی‌های اوایل هزاره سوم و بروز بحران‌های مالی در بورس‌های جهان، موضوع شفافیت اطلاعات در فرآیند گزارشگری مالی مورد توجه گسترده قرار گرفته است. بنابراین هدف این پژوهش مطالعه تأثیر شهرت حسابرسان بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر ارتباط بین متغیرها علی-همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها نشان داد که مالکیت نهادی فعال با عدم شفافیت گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری دارد و شهرت حسابرسان بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی در سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: عدم شفافیت گزارشگری مالی، شهرت حسابرسان، مالکیت نهادی فعال.

مقدمه

وقایع ناگوار و بحران‌های به وجود آمده در بورس‌های جهان و به ویژه سپتامبر^۱ سیاه (۱۹۹۷) و سپس حادثه یازدهم سپتامبر (۲۰۰۰)، افشای ماجرای ورلداکام، انرون، زیراکس^۲ و سپس پارمالات^۳ در سطح جهان و سقوط شاخص‌های بورس تهران در سال (۱۳۸۳) باعث گردید تا مقوله شفافیت گزارشگری مالی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، در محیط پرتلاطم امروزی، بسیاری از سرمایه‌گذاران بر اهمیت شفاف‌سازی اطلاعات تأکید می‌کنند و فقدان اطلاعات و یا عدم اطمینان درباره آن‌ها به یک مشکل اساسی در بازارهای مالی تبدیل شده است. یکی از عواملی که به عدم شفافیت اطلاعات مالی منجر می‌شود، مدیریت یا دستکاری سود است (حقیقت و فروغی، ۱۳۹۵). انتشار گزارش‌های مالی در راستای ادای وظیفه پاسخ‌گویی مدیران در برابر استفاده‌کنندگان و ذی‌نفعان شرکتی است و بالتبع شفافیت در گزارش‌های مالی، بر فرآیند تصمیم‌گیری و کاهش مخاطره‌های مربوط اثرگذار است. اما با توجه به شکاف ناشی از تضاد نمایندگی بین مدیریت و مالکیت از کجا می‌توان اطمینان یافت که اطلاعات گزارش شده گویای واقعیت و پاسخ‌گویی

¹ September

² WorldCom, Enron & Zerox

³ Parmalat

منصفانه مدیریت است. به عنوان یک راه حل در چنین شرایطی برای اجتناب یا حداقل کردن چنین تضادی، مالک می تواند به سیستم نظارتی متوسل شود (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۲).

حاکمیت شرکتی مؤثر به انطباق ویژگی های محیطی و سازمانی به هم، مربوط است (خواجوی و زارع، ۱۳۹۱). سرمایه گذاران نهادی با توجه به مالکیت بخش درخور توجهی از سهام شرکت ها، دارای نفوذ قابل ملاحظه ای بر آن ها هستند؛ ضمن آنکه محرک هایی برای نظارت بر رویه های شرکت ها (شامل رویه های حسابداری) دارند. حاکمیت شرکتی با تصمیم های تأمین مالی و ساختار سرمایه شرکت ها همبستگی دارد. مالکیت نهادی به عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، عملکرد بازارهای سرمایه را تحت تأثیر قرار می دهد و اثر قوی بر روی تخصیص منابع دارد. سرمایه گذاران نهادی در کنترل شرکت های سهامی نقش کلیدی ایفا می کنند. پس به نظر می رسد؛ وجود مالکان نهادی می تواند باعث بهبود عملکرد شرکت شود که اگر این گونه باشد، وجود مالکان نهادی می تواند نقطه اتکایی برای تأمین کنندگان مالی شرکت باشد (ستایش و کاشانی پور، ۱۳۹۰). سرمایه گذاران نهادی به دلیل در اختیار داشتن حجم بالایی از سهام در هر زمانی نقش به سزایی در عملکرد بازارهای سرمایه، شرکت ها و اقتصاد دارند. این سرمایه گذاران با کنترلی که بر سهام شرکت ها دارند نقش مهمی را در قیمت و بازده سهام شرکت ها ایفا می کنند. سرمایه گذاران نهادی مانع رفتار فرصت طلبانه و خوش بینی مدیران در ارائه سود حسابداری بوده، با افزایش سطح مالکیت آن ها تمایل شرکت ها به استفاده از رویه های محافظه کارانه بیشتر می گردد. این نتایج نشان می دهند که مالکان نهادی فعالانه بر مدیران و تصمیم ها و رویه های حسابداری اتخاذ شده از سوی آن ها نظارت می کنند که نتیجه آن افزایش کیفیت گزارشگری مالی است.

شرکت هایی با شهرت بیشتر بر پاسخ گویی، اعتبار و امانت داری تأکید می کنند و از انگیزه ی بیشتری برخوردارند تا از شهرت خود حفاظت کنند و در نتیجه نسبت به سایر شرکت ها رفتار متفاوتی دارند. به طور خلاصه شرکت هایی با شهرت بیشتر به منظور حفظ و علامت دادن در مورد کیفیت گزارشگری مالی خود انگیزه دارند حسابرسان با کیفیت بیشتر را به عنوان حسابرس خود انتخاب کنند (هوانگ و کانگ^۱، ۲۰۱۸). ضعف حسابرسی باعث می شود کارایی و نظارت بر رفتار فرصت طلبانه ی مدیریت کاهش یابد و این موضوع می تواند بر رابطه ی اعتباردهندگان از طریق افزایش تضاد منافع، افزایش عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر بگذارد و از سوی دیگر ریسک اعتباری شرکت نیز افزایش یابد که همه و همه در هزینه ی بدهی شرکت متبلور می شود. جدیدترین و چالش برانگیزترین موضوع مدیران امروز چه در عرصه های مدیریت سازمان های انتفاعی مانند صنایع تولیدی و خدماتی و چه در عرصه های مدیریت بخش های دولتی حسن شهرت است. حسن شهرت مفهومی است که کلیه افراد ذی نفع شرکت از مزایای آن بر همه ی اجزای سازمان قابل مشاهده و بررسی است (حضرتی و همکاران، ۱۳۹۷). مؤسسه های بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت بالا، از حسابرسان متبحر و آموزش دیده و کنترل کیفی قوی تری برخوردارند که نتیجه این مسأله افزایش کیفیت حسابرسی و به دنبال آن افزایش سطح نظارت و کیفیت گزارشگری مالی است. بنابراین این پژوهش به این موضوع پرداخته شده است که تا چه اندازه شهرت حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مؤثر است؟

مبانی نظری پژوهش شهرت حسابرس

¹ Huang & Kang

با توجه به تعاریف مختلف ارائه شده در بخش کیفیت حسابرسی ملاحظه می‌شود که تعاریف مذکور درجات متفاوتی از ابعاد شایستگی و استقلال در انجام حسابرسی (استقلال واقعی) و همچنین چگونگی درک استفاده‌کنندگان از استقلال آن‌ها را در بر می‌گیرند. اگر چه کیفیت درک شده حسابرسی می‌تواند با کیفیت واقعی حسابرسی مرتبط باشد، اما در صورت لزوم یکسان نیست. بنابراین، از حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای برای حفظ ویژگی‌های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می‌شود. پس می‌توان گفت حسن شهرت حسابرسی چگونگی درک ذی‌نفعان از اطلاعات مذکور را متأثر می‌سازد و حسن شهرت حسابرسی به درک بازار از شایستگی و بی‌طرفی (استقلال ظاهری) حسابرسی مرتبط می‌شود. این امر توانایی حسابرسی برای افزایش اعتبار صورت‌های مالی (حتی در صورت فقدان اطلاعات با کیفیت) را نمایش می‌دهد (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳).

مهم‌ترین شاخص حسن شهرت حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی است. از دیدگاه نظری چندین دلیل برای رابطه مستقیم مورد انتظار بین حسن شهرت حسابرسی و توانایی نظارت حسابرسی وجود دارد. مؤسسه‌های معتبرتر در مقام مقایسه با مؤسسه‌های کم اعتبارتر و کوچک‌تر حسن شهرت بیشتری را وثیقه می‌گذارند و با احتمال کمتری از اشتباه‌های بااهمیت با مخاطره دعوی حقوقی چشم می‌پوشند. مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به‌طور واضح منابع بیشتری را برای هدایت آزمون‌های حسابرسی دارند. اکثر پژوهش‌های تجربی کیفیت محصول این فرض هستند که حسابرسان بزرگ‌تر (دارای نام تجاری) در مقایسه با حسابرسان کوچک‌تر (فاقد نام تجاری) توانایی نظارت بیشتری دارند. ذخایر احتیاطی برای صاحب‌کارانی که حسابرسان صاحب‌نامی ندارند در مقام مقایسه با حسابرسان صاحب نام (بزرگ و دارای نام تجاری) بیشتر است. دی آنجلو کیفیت حسابرسی را با واژه اعتبار حسابرسی تعریف کرده است. او اظهار می‌دارد که ذی‌نفعان می‌توانند از اندازه مؤسسه حسابرسی به‌عنوان جانشین حسن شهرت حسابرسی استفاده نمایند. وی استدلال می‌کند که اگر به‌کارگیری صاحب‌کار خاص در میان صاحب‌کاران حسابرسی خاص یکسان است، آنگاه حسابرسان بزرگ‌تر که تعداد صاحب‌کاران بیشتری دارند، در راستای تلاش برای حفظ هر صاحب‌کار انگیزه کمی برای قصور در افشاء تحریف کشف شده دارند، مطالعات بررسی کننده رابطه اجزای کیفیت سود مشخص می‌کنند که اگر چه صاحب‌کاران حسابرسی شده توسط حسابرسان دارای نام تجاری می‌توانند انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود داشته باشند، اما حسابرسان دارای نام تجاری مدیریت سود را محدود می‌نمایند (حساس‌یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹).

مالکیت نهادی

اعمال کنترل و نظارت از سوی سهامداران به‌ویژه سهامدارانی که به‌طور مستقیم دارای عضو هیئت مدیره باشند، می‌تواند به عنوان یک ابزار نظارتی مؤثر برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی مورد توجه قرار گیرد. انتظار می‌رود هر چه قدرت سهامداران برای نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی بیشتر باشد، کیفیت حاکمیت شرکتی بهتر شود. حقوق سهامداران در قالب میزان توانایی آن‌ها بر اعمال کنترل منابع اقتصادی شرکت، تغییر مدیران سودجو، فرصت طلب و ناکارآمد، نظارت بر مدیران شرکت و هدایت آن‌ها یا تغییر مالکیت تبلور می‌یابد به گونه‌ای که این امر موجب افزایش ارزش شرکت شود. سهامداران به‌ویژه سرمایه‌گذاران نهادی نیز نقشی مهم ایفا می‌کنند. از دیدگاه نظری جایگاه سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکتی پیچیده است. از یک دیدگاه سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیرومند را بازنمایی می‌کند که می‌تواند بر مدیریت شرکت نظارت داشته باشد، زیرا نفوذشان بر مدیریت شرکت می‌تواند مبنایی باشد برای همسو کردن منافع مدیریت با منافع گروه سهامداران. هر روز بر اهمیت نقش نظارتی سرمایه‌گذاران نهادی افزوده می‌شود، زیرا آن‌ها بسیار بزرگ و با نفوذ شده و در عین حال تمرکز مالکیت قابل ملاحظه‌ای را به‌دست آورده‌اند. در واقع در ادبیات مالی از تمرکز مالکیت به عنوان سازوکاری مهم یاد می‌شود که مشکلات نمایندگی را کنترل می‌کند و حمایت

از منافع سرمایه‌گذاران را بهبود می‌بخشد. با وجود این، چنین تمرکزی می‌تواند تأثیرات منفی نیز داشته باشد؛ مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه که عدم تقارن اطلاعاتی را بین آنان و سهامداران کوچک ایجاد می‌کند. سرمایه‌گذاران نهادی هم‌چنین می‌توانند مشکلات نمایندگی را به واسطه وجودشان در مقام مالک عمده، که مشکل برخاسته از جدایی مالکیت و کنترل را کاهش می‌دهد، وخیم‌تر کنند؛ اگرچه رشد تمرکز مالکیت این مشکل را برطرف می‌کند. به واقع یک میانجی بزرگ مانند یک سرمایه‌گذار نهادی می‌تواند مشکلات نمایندگی را به دلیل توانایی او در برای کسب مزیت صرفه اقتصادی مقیاس و تنوع‌بخشی حل‌وفصل کند. با توجه به این مبحث به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران نهادی در مقام سهامداران شرکت‌ها هم علت و هم راه‌حل مشکل نمایندگی را بازنمایی می‌کنند. وجودشان در مقام سهامدار، باعث جدایی مالکیت و کنترل می‌شود در حالی که درگیری فزاینده‌شان در شرکت‌ها و متمرکز کردن مالکیت، ابزاری برای نظارت بر مدیران شرکت و در واقع حل‌وفصل مشکلات نمایندگی به دست می‌دهد (کردتبار، ۱۳۸۷).

عدم شفافیت گزارشگری مالی

ماهیت درونی افشای شرکت تمایل دارد با فراهم کردن اطلاعات مفید، شفافیت عملکرد مالی و عملیاتی شرکت را افزایش دهد تا استفاده‌کنندگان درون سازمانی و برون‌سازمانی که بخش عمده آن‌ها را سهامداران تشکیل می‌دهند در تصمیم‌های تجاری و اقتصادی خود از آن بهره‌مند شوند. استانداردهای گزارشگری مالی به طور قابل توجهی بر نیازهای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی تأکید دارد. اطلاعات صورت‌های مالی کمک می‌کند تا سهامداران عملکرد گذشته شرکت، توانایی، ضعف‌ها، نقدینگی، توانایی پرداخت دیون و اثربخشی مدیریت را ارزیابی کنند. هم‌چنین صورت‌های مالی به سهامداران در ارزیابی جریان‌های نقدی مؤثر بر تعیین ارزش ذاتی سهام کمک می‌کند. پرابو^۱ و آنگوسو^۲ بیان می‌دارند شفافیت صورت‌های مالی موجب حفظ حقوق سهامداران می‌شود و به آن‌ها و سرمایه‌گذاران بالقوه که اطلاعات دست اول درباره شرکت و چشم‌اندازهای آن ندارند، امکان می‌دهد تا به آگاهی لازم دست یابند (کاشانی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸). در اثر افشای اطلاعات مالی، انتظار می‌رود عدم تقارن اطلاعاتی به حداقل رسیده و احتمال تقلب کاهش یافته یا کشف آن راحت‌تر شود. بنابراین عدم اطمینان کاهش یافته و ارزش شرکت افزایش می‌یابد. از نظر برگلاف مزیت اطلاعاتی مرتبط با شفافیت صورت‌های مالی این است که آگاهی سرمایه‌گذاران افزایش یافته و منجر به ایجاد اعتماد در بین سهامداران می‌شود و هزینه سرمایه سهام عادی شرکت کاهش می‌یابد. برای اینکه اطلاعات مالی واضح و شفاف باشد، نباید به صورت گمراه‌کننده ارائه شود. خوانندگان صورت‌های مالی باید بتوانند بدون تلاش اضافی صورت‌های مالی را درک کنند. برای دستیابی به این هدف صورت‌های مالی سالانه باید افشای کامل و میزان بیشتری از شفافیت را در بر داشته باشد. همان‌طور که تامسون و یونگ^۳ تأکید کرده‌اند، برای اینکه اطلاعات مالی یک شرکت شفاف باشد، افشای شرکت باید در بردارنده میزان کامل و صریحی از فعالیت‌های مالی و عملیاتی شرکت باشد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸). از طرفی پاسخ‌گویی عبارت است از مجموعه‌ای از روابط اجتماعی که براساس آن شخص برای توضیح و توجیه رفتار و روابط خود با دیگران احساس تعهد می‌کند.

در این نوشته منظور از پاسخ‌گویی اشاره به دو جنبه این مفهوم است:

۱- شفاف‌سازی که به عموم مردم مربوط می‌شود.

۲- مدیران که منابع را مصرف می‌کنند و در قبال آن باید جوابگو باشند.

¹ Prabhu

² Angus

³ Tamson & Yong

پیشینه پژوهش

نیکنام لمر و اسکندری (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی تاثیر چرخش، تخصص و شهرت حسابرسان بر محتوای گزارش حسابرسی پرداختند و نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد که در فرضیه اول و دوم بین چرخش و تخصص حسابرسان و تعداد بندهای گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در فرضیه سوم بین شهرت حسابرسان و تعداد بندهای گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد و در فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم بین چرخش، تخصص و شهرت حسابرسان و نوع اظهارنظر گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد.

یاری و باغومیان (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی اثر تعدیل کنندگی شهرت حسابرس بر رابطه میان حق الزحمه حسابرسی و بروز تحریف‌های حسابداری پرداختند و یافته‌های پژوهش نشان داد که میان حق الزحمه حسابرسی و بروز تحریف‌های حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که دریافت حق الزحمه حسابرسی بالا (پایین) توسط حسابرسان، بروز تحریف‌های حسابداری را کاهش (افزایش) می‌دهد و این یافته در رابطه با موسسات حسابرسی که از شهرت بالایی برخوردار هستند، قوی‌تر است. به عبارت دیگر، شهرت بالای حسابرس، رابطه منفی میان حق الزحمه حسابرسی و بروز تحریف‌های حسابداری را تشدید می‌کند.

آرین تبار و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست پژوهش نشان داد که بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های فرضیه دوم نشان داد که عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت یافته‌های سومین فرضیه پژوهش نیز بیانگر این بود که حسابرسی با کیفیت بالا مالیات تهاجمی را محدود کرده و همزمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

بهبهانی‌نیا و عسگری (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج نشان داد مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب کاهش عدم شفافیت شده و حاکمیت شرکتی از شدت این رابطه منفی می‌کاهد.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات پرداختند و نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات تأثیر منفی می‌گذارد. به طور کلی، نتایج نشان دادند هرچه توانایی مدیریت افزایش یابد، عدم شفافیت اطلاعات کاهش می‌یابد؛ به طوری که این کاهش نشان از شفافیت شرکتی دارد. با وجود این، پیچیدگی در محیط شرکت بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد.

حسینی و برخوردار (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی: تقابل دیدگاه‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی پرداختند و طبق نتایج به دست آمده، رابطه معنادار و مثبتی بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی وجود دارد. افزون بر این، بین تمرکز مالکیت و حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه معنادار و منفی برقرار است. از طرفی، نتایج گویای تأثیر معنادار و منفی تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی است. این روابط هم در سطوح بالای استقلال هیئت‌مدیره و هم در سطوح بالای تمرکز مالکیت تأیید شدند. بر اساس شواهد، اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه معناداری با حق الزحمه خدمات حسابرسی شرکت‌های نمونه ندارد. حق الزحمه خدمات حسابرسی

شرکت‌ها با اندازه، نسبت بدهی، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها و اظهارنظر حسابرس رابطه معنادار و مثبتی برقرار می‌کند؛ اما رابطه بین حق‌الزحمه خدمات حسابرسی شرکت‌ها با نسبت جاری و بازده دارایی‌ها معنادار و منفی است.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه ذیل ارائه می‌گردد. شهرت حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد. الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شده است: معادله (۱):

$$FRO_{it} = \beta_0 + \beta_1 AR_{it} + \beta_2 FRO_{it} + \beta_3 AR_{it} * FRO_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در معادله فوق به ترتیب:

ACINS: شاخص مالکیت نهادی فعال شرکت i در سال t؛

AR: شاخص شهرت حسابرس شرکت i در سال t؛

FRO: شاخص عدم شفافیت گزارشگری مالی شرکت i در سال t؛

SIZE: اندازه شرکت شرکت i در سال t؛

نحوه اندازه‌گیری متغیرها به شرح جدول (۱) است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
شهرت حسابرس	تعدیل‌گر	شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی شده‌اند عدد یک و برای سایر مؤسسه‌ها عدد صفر
مالکیت نهادی فعال	مستقل	نسبت سهام عادی در اختیار مالکان نهادی فعال (مالکان نهادی دارای نماینده در هیأت مدیره)
عدم شفافیت گزارشگری مالی	وابسته	$OPAQUE_{it} = Abs(DACC_{it-1}) + Abs(DACC_{it-2}) + Abs(DACC_{it-3})$
اندازه شرکت	کنترلی	$Ln(\text{تعداد سهام} \times \text{قیمت سهام})$
اهرم مالی	کنترلی	کل دارایی‌ها/کل بدهی

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ که بالغ بر ۷۱۹ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است.

با توجه به محدودیت‌ها ۱۵۲ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است.

به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
عدم شفافیت گزارشگری	FRO	۷۶۰	۰/۲۷۴	۰/۲۳۱	۰/۱۸۲	۰/۹۸۶	۰/۰۴۵
شهرت حسابرس	AR	۷۶۰	۰/۲۰۴	۰/۲۰۰	۰/۳۵۲	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی فعال	ACINS	۷۰۰	۰/۳۱۸	۰/۳۰۵	۰/۳۱۷	۹۷۱۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۷۶۰	۰/۴۳۹	۰/۴۲۷	۰/۲۵۵	۲/۱۹۵	۰/۱۲۳
اندازه شرکت	SIZE	۷۶۰	۱۰/۳۰	۱۰/۲۲	۰/۷۹۶۸	۱۳/۴۴	۵/۲۹

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۷-۱۴۰۱) و داده‌های مقطعی ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایوبوز ۹ می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل پژوهش	۱۴/۴۶۸	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل‌ها، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره χ^2 دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چپ دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، H_0 مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	۳۱/۷۰۰	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون H_0 بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگتر از مقادیر بحرانی اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچکتر از ۵ درصد باشد H_0 رد، و باید از مدل اثرات ثابت استفاده شود.

طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل پژوهش (۳۱/۷۰۰) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ صدم است، لذا H_0 رد می‌شود. رد H_0 نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۳۹۲	۰/۰۹۸	۳/۹۸۳	۰/۰۰۰۰
شهرت حسابرِس	β_1 (AR)	-۰/۳۵۸	۰/۱۲۳	-۲/۸۹۱	۰/۰۰۰۱
مالکیت نهادی فعال	β_2 (ACINS)	-۰/۶۷۳	۰/۱۹۶	-۳/۴۲۵	۰/۰۰۲۳
شهرت حسابرِس*مالکیت نهادی فعال	β_3 (AR*ACINS)	۰/۴۱۶	۰/۱۸۰	۲/۳۰۴	۰/۰۰۱۶
اندازه شرکت	β_4 (SIZE)	۰/۱۵۹	۰/۰۵۹	۲/۶۶۹	۰/۰۰۲۰
اهرم مالی	β_5 (LEV)	۰/۳۴۱	۰/۱۱۲	۳/۰۲۰	۰/۰۰۰۷
آماره F		سطح معناداری (Prob.)			
۱۳/۱۶۷		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون					
۱/۸۱۶					
ضریب تعیین (R2)					
۰/۷۶۱					
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)					
۰/۷۴۳					

با توجه به نتایج آزمون مدل پژوهش، سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۱/۸۱۶) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان شهرت حسابرِس بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد، بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_4 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت اندازه شرکت با عدم شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۵ β نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر اهرم مالی با عدم شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۷۴ درصد از متغیرهای متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه گیری کلی

هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر شهرت حسابرِس بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ می‌باشد. تأثیر متغیرها با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت در شرکت‌ها بررسی شده

است. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که شهرت حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی فعال و عدم شفافیت گزارشگری مالی در سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان نمود نوع مؤسسه حسابرسی از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های کیفیت حسابرسی است که بر نحوه عملکرد، تأمین مالی و سیاست‌های تقسیم سود مؤثر است. با توجه به جایگاه و نقش مؤسسه‌های حسابرسی در تصمیم‌های استفاده‌کنندگان، کیفیت حسابرسی به‌عنوان عامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی، مورد توجه استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. حسابرس به‌عنوان یک مکانیزم کشف‌کننده تحریف‌های بااهمیت، می‌تواند موجب بهبود کیفیت اطلاعات و در نتیجه کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های بهینه برون‌سازمانی گردد. اگر عملیات حسابرسی از کیفیت مطلوب برخوردار نباشد و نتواند قابل اتکا بودن اطلاعات منتشر شده را به خوبی تعیین کند، در سطح اقتصاد خرد افراد بسیاری سرمایه‌های خود را از دست می‌دهند و افراد کمی سودهای کلانی به‌دست خواهند آورد. مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت بالا، از حسابرسان متبحر و آموزش دیده و کنترل کیفی قوی‌تری برخوردارند. بنابراین می‌توان بیان کرد مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت بالا، از حسابرسان متبحر و آموزش دیده و کنترل کیفی قوی‌تری برخوردارند که نتیجه این مسأله افزایش کیفیت حسابرسی و به دنبال آن افزایش سطح نظارت و کیفیت گزارشگری مالی است. با توجه به نتایج فرضیه پژوهش به مدیران پیشنهاد می‌گردد، که از نظرات و ایده‌های حسابرسان معتبر بیشتر در جهت ایفای نقش نظارتی بر عملکرد شرکت توجه نمایند، چون نقش نظارتی حسابرس مستقل و افزایش کیفیت حسابرسی سبب افزایش کیفیت راهبری شرکتی می‌شود که در نهایت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال دارد. افزایش کیفیت گزارشگری مالی سبب شفافیت بیشتر محیط اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط با سهام شرکت در بازار می‌شود، و در نهایت موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی می‌شود.

منابع

- ✓ آرین‌تبار، احمد، فیل سرایی بختیاری، فائزه، (۱۴۰۱)، بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۸۹-۱۲۷.
- ✓ احمدی، محمدرضمان، درسه، صابر، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱-۱۴.
- ✓ احمدی، محمدرضمان، قلمبر، محمدحسین، درسه، سیدصابر، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس بر خطر سقوط آتی قیمت سهام، فصلنامه بررسی‌های حسابداری، دوره دوم، شماره چهارم، صص ۳۷-۵۹.
- ✓ اربابیان، علی اکبر، سلطانی نژاد، اردشیر، (۱۳۹۱)، تأثیر تغییرات عدم اطمینان در شرایط اقتصادی بر قیمت سهام، مجله چشم اندازه‌های مدیریت مالی، شماره ۶، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- ✓ اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر، (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ✓ اعتمادی، حسین، حصارزاده، حسین، محمدآبادی، مهدی، (۱۳۹۱)، افشا و ارزش شرکت: شواهدی از بازار سرمایه نوظهور ایران، فصلنامه حسابداری مدیریت، دوره پنجم، شماره ۱۳، صص ۱-۱۵.
- ✓ ایزدی‌نیا، ناصر، فدوی، محمدحسن، امینی‌نیا، میثم، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر پیچیدگی حسابداری و شفافیت گزارشگری مالی شرکت بر تأخیر در گزارش حسابرسی، فصلنامه دانش حسابرسی، جلد ۱۵، شماره ۵۴، صص ۱-۲۳.

- ✓ برادران حسن زاده، رسول، تقی زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر استراتژی متنوع سازی شرکتی بر خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر هزینه های نمایندگی، فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حسابداری، دوره ۹، شماره اول، صص ۶۳-۹۰.
- ✓ بنی مهد، بهمن، محسنی شریف، محسن، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر بر رتبه بندی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن، مجله حسابداری مدیریت، دوره ۳، شماره ۷، صص ۵۱-۶۳.
- ✓ بهبهانی نیا، پریسازادات، عسگری، نرگس، (۱۴۰۰)، مسئولیت پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صص ۵۵-۷۶.
- ✓ ترکی، لیلا، واعظ، محمد، (۱۳۸۹)، حباب قیمت ها و بازار سرمایه ایران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۳۱، شماره سوم.
- ✓ جامی، مجید، مرادخانچ، بهنام، رئیسی، سهیم، (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر رابطه بین سررسید بدهی و سرمایه گذاری مورد مطالعه: بانک های صادرات شهر زاهدان، فصلنامه علمی- تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۳۶، صص ۱۵۳-۱۶۷.
- ✓ جعفری صمیمی، احمد، (۱۳۹۱)، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات سمت، چاپ ۱۲.
- ✓ جعفری صمیمی، احمد، اعظمی، کورش، عزیزیان، جبار، (۱۳۹۴)، تأثیر نااطمینانی متغیرهای اقتصاد کلان (نرخ ارز، تورم و نرخ رشد) بر واردات کشورهای منتخب در حال توسعه (شامل ایران)، اقتصاد مقداری، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۲۷-۴۹.
- ✓ جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت.
- ✓ حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۴)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- ✓ حجازی، رضوان، خاتمی، سیدکمال، ابوالحسنی، علیرضا، ابراهیمی، محسن، (۱۳۹۹)، رابطه بین سقوط قیمت سهام و سهامداران نهادی پایدار و گذرا، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۸۱-۱۰۲.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه، (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۳-۹۶.
- ✓ Clarkson, G. (2011). Information asymmetry and information sharing. Government Information Quarterly. Vol.24, Issue4, pp827-839.
- ✓ Dittmar, A. (2007). Corporate governance and value of cash holding", Journal of Financial Economics, Vol.83, pp.599-634.
- ✓ Martinez-Sola, Cristina, Garcia-Teruel, Pedro J. & Martinez-Solano, Pedro (2019). Corporate Cash Holding And Firm Value", Applied Economics, Vol. 45, Iss. 2
- ✓ Mikkelson, W. & Partch, M. (2017). Do persistent large cash reserves hinder performance? Journal of Financial and Quantitative Analysis, 38, 275-294.
- ✓ Ozkanaydin, A. (2008). Corporate cash holdings: an empirical investigation of UK companies, Journal of Banking and Finance 28, 2103-2134.
- ✓ Tspouridou, M. and Spathis, Ch., (2017), Audit Opinion and Earnings Management: Evidence from Greece, Accounting Forum, Vol. 38, No. 1, PP. 38-52.